

چرا ایرانی‌ها از ارقام کلیدی اقتصادی خبرند؟

آمارهایی که باید بدانیم

۱۱



بابک احمدی

تماشاگر در سالن اصلی تئاتر شهر با رعایت سکوت روی صندلی چشم انتظار شروع نمایش است. ناگهان تاریکی سالن را دربرمی‌گیرد. بینایی، این مهم‌ترین حلقه اتصال او با صحنه قطع شده است. ماجرا از فصل تاریکی محض آغاز می‌شود. شخصیت اصلی نمایش—مالی—زنی ناپاینا است که تحت درمان قرار گرفته و در نهایت بینایی‌اش را بازمی‌یابد، اما...! اتفاق اصلی جایی رخ می‌دهد که تماشاگر به همراه دو شخصیت دیگر نمایش—دکتر رایس و فرانک، همسر مالی—متوجه می‌شود زن با وجود آنکه به لحاظ علمی بینایی‌اش را به دست آورده اما همچنان قادر به دیدن نیست! «کوربینایی» اصطلاحی است که فری‌یل از آن برای نامیدن واکنش استفاده می‌کند؛ اتفاقی نمادین که به نظر، جامعه امروز ما را نیز فراگرفته است. دکتر رایس با ایفای نقش امیر آقایی در جایی می‌گوید: «دیدن یا نگاه کردن تفاوت دارد» و این بیماری مهلک امروز جامعه‌ای است که «مساله»‌های متعدد را نگاه می‌کند اما نمی‌بیند. گفت‌وگو با میرمنتظی‌راد ادامه می‌خوانید.

■ چه اتفاقی می‌افتد که اصولا نویسنده‌ها و متن‌های کمتر شناخته‌شده در اروپا اینجا با استقبال کارگردانان مواجه می‌شود؟ مثلا بریان فری‌یل نویسنده متوسطی است، البته نمایشنامه «مالی سوینی» خارج از ایران در کشورهای زیادی روی صحنه رفته و بیشتر از دیگر نمایشنامه‌هایش مورد توجه قرار گرفته است.

بله، متن «مالی سوینی» خیلی زیاد خوانده شده و یکی از مونولوگ‌های خوب و درجه یک حال حاضر جهان به‌شمار می‌رود. درباره‌ی دیگر متن‌های فری‌یل با شما همسو هستم گرچه آنجا هم تا حدی جای بحث وجود دارد. اما به‌طور کل «مالی سوینی» خیلی جای کار دارد چون تا یکی دو سال پیش به اندازه دیگر کشورها در ایران شناخته شده نبود. اصولا فری‌یل بیشتر با همین نمایشنامه شناخته شده است و باقی آثارش بعضا درباره مسائل سیاسی کشور ایرلند است که برای اجرا در ایران باید به تاریخ ایرلند هم مراجعه کنیم. او در مالی سوینی درباره مساله‌ای انسانی صحبت می‌کند که برای طیف وسیع‌تری از مردم جهان قابل دریافت است.

■ قطعا وجود همین بُعد انسانی موجب شد تصمیم به اجرای‌ش بگیرید. ولی تعداد زیادی از نمایشنامه‌های جهان مسائل انسانی را کندوکاو می‌کنند، اتفاقا امکانات بیشتری هم در اختیار کارگردان می‌گذارند و با وضعیت حال تماشاگر ایرانی نسبتی بیشتری برقرار می‌کنند، چرا سرآغ آنهازن فتید؟

من وقتی می‌خواهم متنی برای اجرا انتخاب کنم بیشتر احوال شخصی‌ام را در نظر می‌گیرم، شاید این

خیلی خودخواهانه به نظر برسد باز نظر آکادمیک کمی غلط باشد. پیش از هر چیز به حال خود نگاه می‌کنم و بعد وضعیت حال جامعه و تماشاگر را در نظر می‌گیرم. گرچه تجربه هم نشان داده این دو حال خیلی از یکدیگر جدا نیستند و فاصله بین وضعیت من و مخاطب زیاد نیست. من هم در همین جامعه زندگی می‌کنم و همه در یک شرایط تقریبا مشابه اقتصادی و اجتماعی به‌سر می‌بریم. اگر به همین چندسال پیش بازگردیم شرایط دیگری وجود داشت و دلم می‌خواست در نمایش‌هایم خیلی چیزها را فریاد بزنم. مشخصا نمایش‌هایی مثل «P2» یا «پنج ثانیه برف» حاصل چنین روحیه‌ای بود اما اینجا این‌طور نیست.

■ دست کارگردان هم چندان باز نیست.

بله، وقتی «مالی سوینی» را می‌خوانید قضیه خیلی به ادبیات داستانی نزدیک می‌شود و جذاب است اما درست وقتی بحث اجرا پیش می‌آید در مقام کارگردان آشفته می‌شوید چون هیچ پیشنهادی نمی‌دهد.

■ نمایش «بکت» به فضای مشوش درون نهاد قدرت می‌پردازد، «P2» هم با دستمایه قرار دادن ماجرای ضحاک مار دوش در شاهنامه به نوعی رابطه بین قدرت و مردم را مطرح می‌کرد. «پنج ثانیه برف» به تاثیر تصمیم‌های سیاسی بر بحران‌های اجتماعی اشاره داشت ولی در

«مالی سوینی» با وضعیت‌ی درونی‌تر و جزئی‌تر مواجهیم. چطور به‌اینجا رسیدید؟

این تحلیل دقیقا همانی است که چند سال پیش وقتی می‌خواستم «مالی سوینی» را کارگردانی کنم در ذهنم وجود داشت. خیلی درست است چون از سال ۹۴ و در سال ۹۷ همچنان درگیر مسائلی درونی‌تر در روابط آدم‌ها هستم.

■ با این رویکرد که مسائل کلان بر ساخته همین جزئیات است؟

تا ۹۰ درصد روی روابط شخصی بین آدم‌ها متمرکز بودم و ۱۰ درصد به تاثیر این روابط بر مسائل کلان اجتماع. در «مالی سوینی» حال شخصی‌م متفاوت بود، بیشتر به دست‌درازی‌ها و اینکه چرا عده‌ای به خودشان اجازه می‌دهند برای سرنوشت دیگران تصمیم‌گیری کنند، توجه کردم. گرچه در نمایشنامه، «مالی» از سوی پزشک مورد مداوا قرار می‌گیرد اما هر سه شخصیت—دکتر رایس، فرانک و مالی—هم‌زمان در حال مداوا هستند.

■ البته شروع نمایش در تاریکی مطلق سالن تاکید بر ناپیایی مالی است بنابراین گویا او بیشتر مورد توجه است.

اسم نمایش «مالی سوینی» است و شخصیت مالی به نوعی کارکتر اصلی محسوب می‌شود گرچه برای من، هر سه شخصیت اصلی هستند. در جامعه ما همه آدم‌ها با خود و اطرافیان‌شان کاری می‌کنند که وقتی تمام ریزه‌کاری‌های رفتاری آنها را کنار هم قرار می‌دهید با یک نوع «خوشونت پنهان» علیه خود و دیگری مواجه می‌شوید. به همین دلیل معتقدم هر سه شخصیت اصلی هستند و من دنبال این هستم که این خوشونت به تصویر کشیده شود. همین اطراف

درباره استیون سودربرگ؛ فیلمساز مولف

پرورنده آقای همه‌فن حریف!

۱۵

گفت‌وگو با مرتضی میرمنتظمی، کارگردان نمایش «مالی سوینی»

کوربینایی گرفته‌ایم

مصطفی قاهری

گذشته در سالن تئاتر شهر زاد روی صحنه ببریم ولی مخالفت کردم چون آن زمان بحث درآمدزایی پررنگ‌تر می‌شد اما کسب درآمد بیشتر به تنهایی نمی‌توانست من را برای اجرای دوباره یک نمایش قانع کند. به همین دلیل آن زمان مخالفت کردم. ■ در نهایت چه عاملی باعث شد به باز تولید تن دهید؟

چون بحث اجرا در سالن اصلی تئاتر شهر یا تالار وحدت مطرح شد. قواعد حاکم بر این دو سالن با تمام سالن‌های دیگر متفاوت است و به نوعی ریسک خاص خودش را دارد. من دقیقا بر خلاف قواعد نانوشته سالن اصلی تئاتر شهر عمل کردم. نمایشی را روی صحنه سالن اصلی آوردم که فقط سه بازیگر دارد و با سکون و سکوت زیاد پیش می‌رود، اینها با تمام قواعد تئاتر شهر و تالار وحدت متفاوت است طوری که بازیگران را هم نگران کرده بود اما من معتقد بودم باید خطر کنیم. این خطر، باز تولید نمایش را برایم جذاب کرد. وقتی اولین شب اجرا را پشت سر گذاشتم دلهره‌از بین رفت و همه به آرامش رسیدیم.

■ «مالی سوینی» در نوبت اول به سه اجرا در روز رسید و حالا هم که دو اجرایی شده است. این شکل از استقبال مخاطب مشکوک

گرفته در سالن تئاتر شهر زاد روی صحنه ببریم

ولی مخالفت کردم چون آن زمان بحث درآمدزایی پررنگ‌تر می‌شد اما کسب درآمد بیشتر به تنهایی نمی‌توانست من را برای اجرای دوباره یک نمایش قانع کند. به همین دلیل آن زمان مخالفت کردم.

■ در نهایت چه عاملی باعث شد به باز تولید تن دهید؟

چون بحث اجرا در سالن اصلی تئاتر شهر یا تالار وحدت مطرح شد. قواعد حاکم بر این دو سالن با تمام سالن‌های دیگر متفاوت است و به نوعی ریسک خاص خودش را دارد. من دقیقا بر خلاف قواعد نانوشته سالن اصلی تئاتر شهر عمل کردم. نمایشی را روی صحنه سالن اصلی آوردم که فقط سه بازیگر دارد و با سکون و سکوت زیاد پیش می‌رود، اینها با تمام قواعد تئاتر شهر و تالار وحدت متفاوت است طوری که بازیگران را هم نگران کرده بود اما من معتقد بودم باید خطر کنیم. این خطر، باز تولید نمایش را برایم جذاب کرد. وقتی اولین شب اجرا را پشت سر گذاشتم دلهره‌از بین رفت و همه به آرامش رسیدیم.

■ «مالی سوینی» در نوبت اول به سه اجرا در روز رسید و حالا هم که دو اجرایی شده است. این شکل از استقبال مخاطب مشکوک

گرفته در سالن تئاتر شهر زاد روی صحنه ببریم ولی مخالفت کردم چون آن زمان بحث درآمدزایی پررنگ‌تر می‌شد اما کسب درآمد بیشتر به تنهایی نمی‌توانست من را برای اجرای دوباره یک نمایش قانع کند. به همین دلیل آن زمان مخالفت کردم. ■ در نهایت چه عاملی باعث شد به باز تولید تن دهید؟

چون بحث اجرا در سالن اصلی تئاتر شهر یا تالار وحدت مطرح شد. قواعد حاکم بر این دو سالن با تمام سالن‌های دیگر متفاوت است و به نوعی ریسک خاص خودش را دارد. من دقیقا بر خلاف قواعد نانوشته سالن اصلی تئاتر شهر عمل کردم. نمایشی را روی صحنه سالن اصلی آوردم که فقط سه بازیگر دارد و با سکون و سکوت زیاد پیش می‌رود، اینها با تمام قواعد تئاتر شهر و تالار وحدت متفاوت است طوری که بازیگران را هم نگران کرده بود اما من معتقد بودم باید خطر کنیم. این خطر، باز تولید نمایش را برایم جذاب کرد. وقتی اولین شب اجرا را پشت سر گذاشتم دلهره‌از بین رفت و همه به آرامش رسیدیم.

■ «مالی سوینی» در نوبت اول به سه اجرا در روز رسید و حالا هم که دو اجرایی شده است. این شکل از استقبال مخاطب مشکوک

مصطفی قاهری

نکته مهمی که موجب می‌شود هنرمندان ما به اجرای مونولوگ گرایش بیشتری داشته باشند حرکت جامعه به سوی تک‌صدایی و تک‌گویی است. شرایط به سویی پیش رفته که هر کس فقط دلش می‌خواهد خودش حرف بزند و برود.

■ هیچ‌کس علاقه ندارد شخص دیگری را در برابر خودش ببیند که پاسخی می‌دهد یا مونولوگ را به دیالوگ تبدیل می‌کند.

■ در «مالی سوینی» حال شخصی‌ام متفاوت بود، بیشتر به دست‌درازی‌ها و اینکه چرا عده‌ای به خودشان اجازه می‌دهند برای سرنوشت دیگران تصمیم‌گیری کنند، توجه کردم.



با سه بازیگر حرفه‌ای، چهره دارد و تضمین گیشه مطرح نبود؟ یک جور محافظه‌کاری حسابگرانه؟

اصلا این‌طور نبود. مثلا اگر یک بازیگر دیگر به نمایش «پنج ثانیه برف» اضافه می‌کردم گیشه تضمین نبود؟ یا «P2»؟ قطعا بود. بنابراین تفاوتی نمی‌کرد، می‌توانستم هر کدام از نمایش‌های قبلی‌ام را دوباره باز تولید کنم.

■ ولی تعداد بازیگران «P2» و «پنج ثانیه برف» بیشتر بود؟ «مالی سوینی» فقط به سه بازیگر نیاز داشت؟

نه، تعداد بازیگرها مشکلی ایجاد نمی‌کرد. جمع و جور کردن «پنج ثانیه برف» برای اجرا دوباره کار سختی نبود. من می‌توانستم نمایش «مالی سوینی» را اسال

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۷، ۲۷ رمضان ۱۴۳۹، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸، سال پانزدهم، شماره ۴۱۰۸

اختیار

یادداشت

مساله متناقض باز تولید در تئاتر

شسور ش قادری | باز تولید آثار نمایشی در سال‌های اخیر به ویژه بعد از افزایش سالن‌های خصوصی وارد مرحله تازه‌ای شده است. هر چند در گذشته هنرمندان شناخته شده‌ای مثل محمد یعقوبی از جمله مدافعان جدی باز تولید نمایش بودند، اما امروز با وضعیتی مواجه هستیم که ایجاب می‌کند با رویکردی جدی‌تر درباره جزئیات آن به بحث و تبادل نظر بپردازیم. چرا؟ به این دلیل که مقصود از «باز تولید» در گذشته چندان روشن بیان نشد و کاستی‌های زیرساختی شرایطی حاکم کرد که ماجرا از واکنش در سطح، راهی به عمق پیدا نکرد. هنرمندان تئاتر حدود یک دهه پیش‌تر معتقد بودند نمی‌توان و نباید پرورنده بعضی نمایش‌ها را بعد از ۳۰ شب اجرا بست و کاری را که ماه‌ها برای به صحنه آمدنش تلاش شده را یک‌سر به فراموشی سپرد.

حالا حداقل برای گروه‌های تهرانی این امکان فراهم است که نمایش‌های خود را در صورت موفقیت و جلب نظر مخاطب، حتی سه ماه روی صحنه نگه‌دارند. ولی ادامه اجرای یک نمایش با کیفیت نیست که مساله‌ساز به نظر می‌رسد، بلکه فقدان چار چوب در امر باز تولید آثار نمایشی است که نگرانی به وجود می‌آورد. یک‌زمان کمبود فضای زیرساختی ضرورت باز تولید را به وجود آورد، ولی حالا کثرت سالن‌ها چنین تقاضایی پیش کشیده‌است!

اگر تا دیروز هنرمندان شناخته شده تئاتر چنین درخواستی داشتند، امروز مدیران سالن‌های خصوصی هستند که شب چراغ به دست در جست‌وجوی نمایش‌هایی پرمخاطب یا بعضا «فروش» می‌گردند. این تناقض نشان می‌دهد جریان تئاتر در پایتخت همچنان واکنشی عمل می‌کند و دلیل این رویکرد نیز جز «فقدان برنامه‌ریزی» یا صولا «فقدان شرایط لازم برای برنامه‌ریزی» نیست. نکته مسلم اینکه با افزایش گرایش به باز تولید با هدف تأمین نیازها و خواسته‌های مالی—گروه‌ها و سالن‌داران—در نهایت تئاتر و مخاطب تئاتر است که قربانی می‌شود. گرچه در این بین انگشت‌شمار کارگردانی تلاش می‌کنند باز تولید را با چاشنی خلاقیت و چالش همراه کرده و مقهور شرایط متناقض فعلی نشوند. اما در نهایت خانه تئاتر، نهادهای آکادمیک و ادار کل هنرهای نمایشی به همراه رسانه‌های «مسوول» قطعی بررسی نتایج متناقض موجود شناخته‌می‌شوند.

صحنه‌ای خطی با عمق کم طراحی می‌کنید، هر سه بازیگر هم مونولوگ می‌گویند. آن زمان فکر نکردید همسوس شدن این سه عنصر شاید مخاطب را خسته کند؟

همیشه دلم می‌خواهد دست مخاطب را بگیرم و به او بگویم کمی با خواست و سلیقه و نظر من حرکت کنید. شما به خوبی از این علاقه من مطلع هستید. چون دو سال قبل با هم دربار‌ماش صحبت کردیم. من در نمایش «پنج ثانیه برف» از قصد جلوی چشم تماشاگر درخت می‌گذارم یا عاملانسه در نمایش «بکت» یک فنس فلزی بین مخاطب و بازیگر قرار می‌دهم. همان‌طور که در اجرای بعدی گروه جهانی کاملا متفاوت پیش روی تماشاگر قرار خواهم داد. دلم می‌خواست کمی باهم تجربه کنیم، ببینیم وقتی کار به این صورت خلاصه و بدون حرکت و اتفاق‌های آنجنانی پیش می‌رود با چگونه وضعیتی مواجه می‌شویم. دلم می‌خواهد در هر اجرا مسیر و تجربه‌ای تازه پیش روی تماشاگر بگذارم.

■ به نظر م هیچ کارگردانی علاقه ندارد تجربه تکراری داشته‌باشد.

برعکس، شما اگر به آثار بعضی کارگردان‌های تئاتر مان‌گاه کنید، متوجه می‌شوید هر تجربه ادامه تجربه گذشته‌شان است. ولی شما نمی‌توانید نمایش «P2» را کنار نمایش «مالی سوینی» بگذارید. رسما خودم را شکسته‌ام. «فراکتس» به «بکت» یا «برها» ارتباطی ندارد. منظورم تکرار نبود، منظورم ادامه یک مسیر بود. به همین دلیل مخالف باز تولید و تکرار خود هستم. انتظار دارم همین ویژگی از کارهای من در ذهن مخاطب باقی بماند.

■ برنامه اجرای بعدی چیست؟

نمایش «کلف‌ها» نوشته ژان ژونه را کار می‌کنم. چند سال است می‌خواهم این متن را روی صحنه بیاورم ولی فرصت نمی‌شود.

■ این پرسش از تباط چندانانی به اجرای «مالی سوینی» ندارد. به نظر شما چرا در سال‌های اخیر گروه‌های زیادی به سمت اجرای مونولوگ رفته‌اند؟

موافقم. به نظر م شاید اولین دلیل سادگی اجرای مونولوگ باشد. این در مورد نمایشی که خودم کارگردانی کردم، صدق نمی‌کند. (با خنده) فراموش نکنیم در سال‌های اخیر اجراهای خوب به کارگردانی افسانه‌ها مایبان یا بعضی نمایش‌های امیررضا کوهستانی اتفاق‌های خوبی بودند. اما نکته مهمی که موجب می‌شود هنرمندان ما به اجرای مونولوگ گرایش بیشتری داشته باشند حرکت جامعه به سوی تک‌صدایی و تک‌گویی است. شرایط به سویی پیش رفته که هر کس فقط دلش می‌خواهد خودش حرف بزند و برود. هیچ‌کس علاقه ندارد شخص دیگری را در برابر خودش ببیند که پاسخی می‌دهد یا مونولوگ را به دیالوگ تبدیل می‌کند. موافقم اجرای مونولوگ به قدری زیاد شده که دیگر لازم است پیش از استفاده از این تکنیک قدری مکث کنیم. گرچه جامعه به‌شدت اهل مونولوگ است.